

لای لائی در فرهنگ مردم خزل



کبری خزائی

کارشناس ارشد ایران‌شناسی

اشاره

آن چه از نظرتان می‌گذرد پژوهش اولیه‌ای است راجع به لای لائی در فرهنگ و آداب و رسوم خزل (با مرکزیت شهر فیروزان، از شهرستان نهاوند) که توسط سرکار خانم خزائی تهیه شده است. ضمن تشکر از ایشان امیدواریم در پژوهش‌های بعدی، سایر آداب و رسوم رایج و غیر رایج این بخش از سوی نویسنده‌ی محترم و علاقه‌مندان پژوهشگر دیگر تهیه گردد.

خانم کبری خزائی متولد سال ۱۳۶۳ از روستای گردیان از بخش خزل نهاوند است و دارای کارشناسی زبان و ادب فارسی از دانشگاه گیلان و کارشناسی ارشد ایران‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی (مشترک با بنیاد ایران‌شناسی) است.

«فرهنگان»

چکیده

شعر، که یک عنصر مهم فرهنگی است، در جان و روان کودک نقش و تأثیر به‌سزایی دارد. به همین جهت "ترانه‌های کودکانه" با مفاهیم و موضوعات عمیقی که از واقعیات زندگی سرچشمه می‌گیرد و مستظهر به تجارب فرهنگی و تربیتی ماندگار است و با اهدافی همچون تربیت و پرورش کودکان، خواباندن یا آرام کردن آنان، سرگرم کردن و... به وجود آمده‌اند، از مهم‌ترین بخش‌های ادبیات عامیانه‌ی جوامع محسوب گردیده و به چهار گروه لالائی‌ها، ترانه‌های نوازشی، بازی ترانه‌های کودکانه و ترانه‌های کار تقسیم شده‌اند. در این مقاله به گردآوری و بررسی لالایی‌های رایج در فرهنگ مردم خزل، که محدوده‌ی کوچکی از پهنه‌ی وسیع الوار پیش‌کوه است، از طریق قوم‌نگاری و به صورت توصیفی - تحلیلی پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: ادبیات عامیانه، منطقه‌ی خزل، لالایی‌ها

مقدمه

بخش خزل با مرکزیت شهر فیروزان از لحاظ تقسیمات کشوری جزء استان همدان به حساب می‌آید. اما از لحاظ زبانی و فرهنگی، قسمتی از پهنه و قلمرو لر کوچک محسوب می‌شود. این منطقه به لحاظ داشتن موقعیت خاص جغرافیایی، پل ارتباطی بین غرب و مرکز ایران بوده و هست. رودخانه‌ی "گاماسیاب" در اقتصاد، فرهنگ و تاریخ مردمان آن، جایگاهی ویژه دارد. در این مقاله برآنیم که به بررسی

لالایی‌ها، که بخشی از ادبیات عامیانه‌ی رایج در فرهنگ مردمان آن است و تقریباً به دو گویش "لری" و "لکی" رواج دارند، پردازیم.

لالایی از قدیم‌ترین، مرسوم‌ترین و زیباترین نمونه‌های ترانه‌های عامیانه است که با آواز حزین برای خواباندن و گاهی نوازش کودکان خوانده می‌شود. لالایی‌ها مانند همه‌ی انواع ادب عامه، سرشار از زندگی و واقعیت‌های آن است (عمرانی، ۱۳۸۱). این قسم از ترانه‌های عامیانه، دارای ویژگی‌های دیگر بخش‌های ادبیات عامه‌اند. اولین شکل ادبیات، اولین کلام و موسیقی و نخستین آوازی است که به گوش کودک می‌رسد. مضمون لالائی را مادر می‌سازد، از غم‌ها و شادی‌ها، آرزوها، دست‌یافته‌ها و دست‌نیافته‌ها، از کج‌مداری‌های زمانه، از وفا و جفای روزگار و روزگاریان و... و در کنار گهواره‌ی کودکی که در آن لحظه تنها او را دارائی خود می‌داند، می‌خواند و در همین لالائی‌ها کودکش را به زیباترین‌ها تشبیه می‌کند و بهترین‌ها را برایش می‌خواهد.

با بررسی میدانی در منطقه‌ی مورد پژوهش یعنی بخش خزل و گردآوری لالایی‌های رایج در فرهنگ مردمان آن و تحلیل و بررسی آنها معلوم گردید که لالایی‌ها که به دو گویش لری و لکی رایج هستند از مهم‌ترین قسمت‌های ترانه‌های عامیانه این مردم به شمار می‌آید و عرصه‌ای برای انعکاس جایگاه و اهمیت کودک در فرهنگ این مردمان است.

۱- لالایی

لالائی برگرفته از واژه‌ی "لالا" است. واژه‌ی لالا به معنی غلام و بنده و خدمتکار بوده و شکل تحریف شده‌ی آن "لله" به پیرمردی که مربی و خدمت‌گزار

بزرگان است اطلاق می‌گردد. دهخدا در لغت نامه می‌نویسد " مری مرد طفل، چنان که خدمتکار قدیم و پیر از کنیزکان را دادا می‌گویند" و لالائی ترانه‌ای بود که لالاها و لاله‌ها برای خواباندن طفل به کار می‌بردند و واژه‌ی لالا به معنی خفتن در زبان اطفال نیز باید از همین جا گرفته شده باشد (عمرانی، ۱۳۸۱).

با بررسی لالایی‌ها می‌توان با برخی مسائل سیاسی، مذهبی، تاریخی و باورها و نگرش‌های اجتماعی و .. آشنا شد. در این قسمت لالائی‌های مرسوم در فرهنگ مردم منطقه‌ی خزل مورد بررسی قرار گرفته، براساس مضمون طبقه بندی شده و نیز در حد امکان به تحلیل آنها پرداخته شده است. از آن جا که در بیش‌تر لالایی‌ها جنسیت ذکر گردیده و جنس مخاطب لالایی مشخص شده است، ما هم مبنای تقسیم‌بندی خود را بر پایه‌ی جنسیت می‌گذاریم. طبیعی است که مضامین دیگری همچون علاقه و محبت مادر نسبت به کودک، تشبیه شدن کودک به گل‌ها و درختان، آرزوها و آرمان‌های مادر نیز در زیر مجموعه‌ی مضمون جنسیت واقع شده‌اند. موارد گردآوری شده‌ی دیگر را که در آنها جنسیت عنوان نشده است، براساس مضامین دیگر بررسی خواهیم کرد.

۲- جنسیت در لالایی‌ها

هر چند که مهم‌ترین عامل پدید آورنده‌ی لالایی‌ها عشق و علاقه‌ی مادر به کودک است اما در میان لالایی‌های گردآوری شده در این پژوهش چشم‌گیرترین مضمون، جنسیت است. حتی از محتوای لالایی‌هایی که در آنها مستقیم به جنسیت اشاره نشده نیز می‌توان فهمید که خطاب به نوزاد پسر گفته شده‌اند.

در فرهنگ مردم خزل، پسر جایگاه ویژه ای دارد و این به دلیل نقشی است که پسر در مقایسه با دختر در اقتصاد و معیشت خانواده ایفا می‌کرده است. همچنین پسر همراه و یاور پدر و جانشین وی در اجتماع بوده است. اما دختر در انزوا و در کنار مادر بوده و حضور نیافتن در جامعه و مستور بودن، از خصال مثبت وی به حساب می‌آمده است. به همین جهت طبیعی است که تقریباً تمام خانواده‌ها خواهان فرزندان پسر بوده باشند.

زنی که نوزاد دختر به دنیا می‌آورد، معمولاً مورد غضب شوهر و خانواده‌ی وی قرار می‌گرفت. اما نوزاد پسر مقام و منزلت مادر را نزد شوهر بالا می‌برد. مادر به داشتن پسران زیاد مباهات می‌کرد. به همین جهت مادران که پدید آورندگان اصلی لالائی‌ها هستند، آن‌ها را بیش‌تر خطاب به پسران گفته‌اند. در مواردی هم که لالائی خطاب به دختران است در آن به نوعی به اهمیت وجود برادر در زندگی وی و برتری برادر بر خواهر یا خواهران تأکید می‌شود و از همان گهواره‌ی دختر به اهمیت و ارزش برادر پی می‌برد و متقاعد می‌گردد که عزت و ارزش وی به عزت و ارزش پدر و برادر است. در فرهنگ این مردمان برادر عزیزترین و مهم‌ترین شخصیت در زندگی هر خواهری به حساب می‌آمده است.

۱-۲- پسران در لالائی‌ها

چشیا پسر م آفتاو نوینه (لری)

لالای لای لای گل پونه

(Lālāy lāy lāy gole pōna, Čašyā pesarem aftāw nowyna)

لالا لای لای گل پونه، آفتاب چشم‌های پسر م را آزار ندهد.

لالای لای لای گل پونه پسر م رته دتی بوینه (لری)
 (pesarem rata deti böna, Lālāy lāy lāy gole pōna)
 لالا لا لاگل پونه. پسر م رفته تا دختری را ببیند (بپسندد).

لالای لای لای گل پونه کرم حفته نم حونه (لری)
 (Lālāy lāy lāy gole pōna, korem hofhta nome hona)
 لالا لا لا گل پونه، پسر م در خانه خوابیده است.

لالای مکم ای گل پونه کورپه کرکم برز بو چوار شونه (لکی)
 (Lālāya makam ey gole pōna, kurpa korakam barz bu čövār šona)
 لالائی می خوانم ای گل پونه، پسر کوچکم بلند و چهار شانه شود.

لالای لای لای گل خاشخاش کرم بوه کمک حال آقاش (لری)
 (Lālā lāy lāy gole xāšxāš , korem bua komak hāl āqāš)
 لالا لا لا گل خاشخاش، پسر م کمک حال پدرش شود.

لالای مکم لالام هزار بو کورپه کرکم فره نازار بو (لکی)
 (Lālāya makam lālām hezār bu , kurpa korakam fēra nāzār bu)
 لالایی می گویم لالایی ام فراوان باشد، پسر کوچکم بسیار ناز و دوست داشتنی شود.

لالای مکم لایم بوه راس ژیر سر کورکم بوه ولگ ریواس (لکی)
 (Lālāya makam lāyam bua rās , žēr sar korakam buva valg riwās)
 لالایی می گویم، لالایی ام درست و واقعی باشد، در زیر سر پسر م برگ ریواس بروید.

لالای مکم لایم بوه راس سر کاکول کرم بوه توک ریواس (لکی)
 (Lālāya makam lāyam buva rās , sar kākul korem buva tōk riwās)
 لالایی می گویم، لالایی ام درست و حقیقی باشد، کاکل پسریم همانند نوک گیاه
 ریواس شود.

لالای مکم لایم درو بو ژیر سر کرکم ولگ چرو بو (لکی)
 (Lālāya makam lāyam deru bu , žēr sar korakam valge čeru bu)
 لالای می گویم لالایی ام دروغ باشد. در زیر سر کودکم برگ جوانه درخت باشد.

لالای مکم لایم درو بو سر کاکول کرم سیم زرین بو (لکی)
 (Lālāya makam lāyam deru bu , sar kākul korem sime zarin bu)
 لالایی می گویم لالایی ام دروغ باشد، کاکل پسریم همچون طلا و نقره باشد.

لالایی ست کنم لایم دروه زیر سرت مخمل نوه (لری)
 (Lālāyi set konem lāyam deruva , bāleš zer saret maxmale nuva)
 لالایی برایت می گویم لالایی ام دروغ است. بالش زیرسرت از جنس مخمل نو است.

للو کرم بونم قه دار ریواس نگه دارش بوه حضرت عباس (لری)
 (Lalu koreme bavanam qe dāre rivās, negadāreš buva Hazrate Abās)
 بند ننوی پسریم را به درخت ریواس می بندم. تا حضرت عباس (ع) نگه دارش باشد.

للو کرم بونم ق دار نارون نگه دارش بوه او شاه الون (لری)
 (Lalu koreme bavanem qe dāre nārvan, negadāreš buva u šāhe alvan)
 بند ننوی پسریم را به درخت نارون می بندم، تا شاه الوند (حضرت علی (ع))

نگه دار او باشد.

لالای مکم لایم بر باره کر خاصکم چیه چه باره

نقل و مویش ارا دای باره (لکی)

(Lālāya makam lāyam bar bāre , kora xāsakam čeya ča bāre,
Noqelo mowiž arā dāy bāre)

لالائی می گویم، لالائی ام ثمر بدهد، پسر خوبم رفته چه بیاورد؟ رفته تا نقل و

کشمش برای مادرش بیاورد.

لالای موم ایواره تا روز خدا دیه وم یه کر دل سوز (لری)

(Lālāyi mowem ivāra tā ruz , xodā deya vem ye kore delsz)

لالائی می گویم از غروب تا روز. خداوند یک پسر دل سوز و مهربان به من داده

است.

لالای مکم ایواره وختی جا کرم باوژم و سا درختی (لکی)

(Lālāya makam iwara vaxte , jā korem bāwžem va sā deraxte)

لالائی می گویم در یک غروب هنگام، بستر خواب پسرم را در سایه ی درختی

پهن می کنم.

لالای مکم یاورکنه بن للوت بونم و سایه کنه (لکی)

(Lālāya makam yāwera kone , ban lalut bonem va sāyakone)

لالائی می گویم در یک غروب هنگام، بند ننویت را در سایه ی درخت می بندم.

لالای مکم ای گل ننا سر زلف کرکم بگرمه حنا (لکی)

(Lālāya makam va gole nanā , sar zelf korakam begerma hanā)

لالائی می گویم ای گل ننا، زلف های پسرم را حنا بگیرم.

هلورکی کرم بنم و پا دار ونی تا زلف هولکه هر باد بشنی (لکی)

(Halurki korem benem va pā dār vani , tā zelf hulake har bād bešani)

گهواره‌ی پسر م را در پای یک درخت ون بگذارم تا باد، مدام زلف‌های بورش را تکان دهد.

هلورکیت بنم و پا دار ونی م لای لای بکم کرم بیسی (لکی)

(Halurkit benem va pā dār vani , me lālāy bekam korem byasi)

گهواره ات را در پای یک درخت ون می‌گذارم، من لالائی بگویم و پسر م بخوابد.

للوکش بونم قد شاخ بیدی شاید کرکم با سم امیدى (لری)

(Lalukaš bonem qad šāxe bidi , šāyad korekam bā sem omidi)

نوی پسر م را به شاخ بیدی می‌بندم، شاید پسر م برای من امیدى شود.

لالای مکم کر و کول و و باوان مچم دل و هول و

تا که بنیشم و خمین و جرگم بیاون شو و چول و (لکی)

(Lālāya makam kor va kula va , va bāwān mačem del va hula va)

(Tā ke benišem va xamina va , jargma byāwon šew va čula va)

[باوان: ایل و تبار و خانواده‌ی پدری زن؛ شو چول: اولین شب پس از دفن میت]

لالائی می‌گویم برای پسرى که بر پشت بسته ام و با غم و اندوه به سوى

خانواده‌ی خود می‌روم.

تاکی غمگین و اندوهگین بنشینم در حالی که پاره‌ی تنم در بیابان دفن شده

است.

این لالائی زبان حال مادری است که در جایی دورتر از خانواده‌ی پدری‌اش زندگی می‌کند. خبر فوت یکی از عزیزانش را شنیده است. در این لحظه که شب هنگام است و پاره‌ی تن وی دفن شده است، با غم و اندوه در حالی که نوزاد پسری دارد و او را به پشت بسته است، به سوی خانواده‌ی خود می‌رود.

۲-۲- دختران در لالائی‌ها

لالای مکم خوشم مای	برنج بکوییم باری و تای
سور دتکم اریا بای	اباریکی پشت کوا بای
و شو نای خاوم مای	وروژ بای خوشم مای
هزار هزار ار بان دیار	کل کرتی سوز چکمه بل خار
تاگر داشی نایه دیار	عروس خنم نموه سوار

(Lāylāya makam xōvašma māy , berenj bekuyim bāre o tāy)

(Sör detakam a reyā bāy , a bāriki peš kövā bāy)

(Va šew nāy xāwma māy , va ruž bāy xōvašma māy)

(Hezār hezār ar bāne dyār , kol korti sewz čakma belxār)

(Tā gar dāšiye nāya dyār , arus xonem nemuva sövār)

لالائی می‌گویم، لالائی گفتن را دوست دارم. بیائید مقدار زیادی برنج بکوییم.

غذای عروسی را آماده کنیم

دوست دارم بساط عروسی دخترم را از راه باریک پشت کوه بیاورند. عروسی در

شب هنگام نباشد، چون خوابم می‌آید، در روز هنگام باشد، چون خوشم می‌آید. اگر

هزاران شخص موقر و موجه بیایند و بخواهند عروسی را راه بیندازند، تا برادر

عروس نیاید و اجازه ندهد عروس خانم سوار بر اسب نمی‌شود و راضی به عروسی کردن نیست.

توضیح: در روز عروسی، هنگامی که خانواده‌ی داماد برای بردن عروس می‌آیند، برادر عروس حتی اگر تنها یک پسر بچه باشد باید دست عروس را بگیرد و از منزل خارج کند و در واقع به او اجازه رفتن به خانه‌ی شوهر بدهد. چنانچه عروس برادری نداشته باشد عمومی وی چنین کاری را انجام خواهد داد.

لای لای مکم تا دتم بسی عاموزا شیره دسگیرون سی

دتم هنی هوت خور نکنی هراتی گل گل اسر نکنی (لکی)

(Lāylāya makam tā detm base , āmuzā šere dasgirona se)

(Detem hane hōvat xavar nakane , herāti gol gol e sar nakane)

لالایی می‌گویم تا دخترم بخوابد، پسر عمومی خوبش نامزد اوست.

دخترم هر وقت خوابید او را بیدار نکنید و چارقد گل گلی اش را از سرش بیرون

نیاورید (اشاره به رسم ناف‌بر کردن دختر عمو برای پسر عمو).

لای لای مکم و پر جاکت تا تو بخننن ارا براکت (لکی)

(Lāy lāya makam va pare jākat , tā to bexanin arā berākat)

در کنار بستر خوابت برایت لالائی می‌خوانم تا تو برای برادرت بخندی.

لای لای مکم و دوره دوره دت خاصکم بوه هسوره (لکی)

(lāy lāya makam va dōra dōra, deta xāsakam böva hasōra)

در دوردست‌ها لالائی می‌خوانم، تا دختر خوبم مادر شوهر شود.

لای لای مکم ا پا دار ونی گلل بچغن دتم بخنی (لکی)

(Lāy lāya makam va pā dār vane , golal bečayen detem bexane)

لالائی می‌گویم در پای یک درخت ون، تا گل‌هایش بشکفند و دخترم بخندد.

۳- مسائل زنان در لالایی‌ها

لالایی آینه‌ی تمام‌نمایی از مسائل، محدودیت‌ها، دغدغه‌ها و گلایه‌های زنان است. مادر در لالایی، بی‌پیرایه و آسوده خاطر در کنار گهواره‌ی کودکش بار دل می‌گشاید. مسائل زنان خزلی نیز تقریباً با مسائل زنان دیگر فرهنگ‌ها مشترک است. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به چشم‌انتظاری همسر، ترس یا نفرت از هوو... اشاره کرد.

بن للوت بونم و پا درختی تا گر باوت بای ایواره وختی (لکی)

(Ban lalut bonem va pā deraxte , tāgar bāwat bā iywera vaxte)

بند ننویت را به پای درختی می‌بندم تا شاید پدرت غروب هنگامی به خانه

بازگردد.

بن للوت بونم و پای کرسی تاگر باوت بای و تندرسی (لکی)

(Ban lalut bonem va pāye korsi , tāgar bāwat bāy va tandoresi)

بند ننویت را به پای کرسی می‌بندم تا شاید پدرت با تندرستی به خانه باز گردد.

لالائی می‌کنم تا ما درآیه چشیش خاو کنم آقاش بیایه (لری)

(Lālāyi mikonem tā mā derāya, čašyāše xāw konem āqāš byāya)

لالایی می‌گویم تا ماه درآید، چشم‌هایش را خواب می‌کنم تا پدرش به خانه بیاید.

للو ت بونم ق دار پونه تاگه بابات بیا هیکل و سینه (لری)

(Lalute bavanam qe dāre pōna, tāga bābāt biyā hekal ve sina)

بند ننویت را به درخت پونه می‌بندم، تا پدرت هیکل به سینه - قوی - بازگردد.

هه لاه هه لاه باوت چیسه خرماوه

ایمم رضا شا خراسون باوه بار و سل آسون

رول نوین هراسون هالوت‌ها و دراسون (لکی)

(He lāwa he lāwa , bāwat časa xormāwa)

به تصویر کشیده شده است.

باوت چیه گل بولای

هه لای لای هه لای لای

چمت هرگز ا گل نای

جاجم بردیه شو نمای

(He lāy lāy he lāy lāy , bawat čeya gel bolāy)

(Jājem berdeye šew nemāy, čamet hargez e gel nāy)

هه لای لای هه لای لای، پدرت برای آماده کردن گل رفته است.

با خود جاجیم برده است و شب باز نمی‌گردد. امید وارم امشب چشم درد

نگیری.

(چم گلی - čam geli - از بیماری‌های مربوط به چشم است و بیش‌تر در

میان کودکان شیوع داشته است. در پی آن از اطراف مژه‌ها دانه‌های سفیدی بیرون

می‌زد و داخل چشم تا مدت‌ها چرکین بود).

تو ناخوش نوین م تنیا بالم

لالای مکم عزیز مالم

نه باکم ا دوس نه ا دشمنه (لکی)

م الا تونا خاطر م جمه

(Lā lāya makam azize mālem, to nāxoš novin me tanyā bālem)

(Me elā tonā xāterem jama, na bākem a dus na a došmana)

لالایی می‌گویم ای عزیز خانه‌ی من، تو مریض نشوی که من دست تنها هستم.

من از جانب تو آسوده خاطر هستم، با وجود داشتن تو نه از دوست ترسی دارم

و نه از دشمن.

زنگله زرین بونم پای تو

لالای مکم لایم لای تو

هرگزم نیژه روله جای تو (لکی)

خدا کم درک نچوه پای تو

(Lāy lāya makam lāym lāye to, zaŋele zarin bonma pāye to)

(Xodā kam derek načuva pāye to, hargezem neyže rula jāye to)

لالایی می‌گویم لالایی‌ام برای تو، زنگوله طلایی را به پای تو می‌بندم.

امیدوارم هرگز خاری در پای تو فرو نرود، امیدوارم هرگز در جایی از بدنت احساس درد نداشته باشی.

لا لای مکم اپا دار پونه یه حال تونه جنه دات چونه (لکی)

(Lā lāya makam a pā dār pōna, ya hāle tona jose dāt čōna)

لالایی می گویم در پای درخت پونه. این حال تو است - بیمار هستی - جسم و

جان مادرت چگونه است؟

لا لای مکم آروم گونم خدا کم بمرم آخت نووینم (لکی)

(Lāy lāya makam ārome gyonem , xodā kam hargez āxet nowinem)

لالایی می گویم ای آرام جانم. امیدوارم بمیرم و درد کشیدنت را نبینم.

۵-دیگران در لالایی ها

لالایی از آن مادر است و در آن بدون واهمه از هرچه می خواهد و از هرکه

دوست می دارد می گوید، یعنی از فرزند، همسر، برادر و گاهی نیز دیگران.

همان طور که در مبحث جنسیت اشاره شد، برادر مهم ترین و دوست داشتنی

ترین شخصیت در زندگی زنان این دیار است. در چند نمونه ی زیر و همچنین در

یک نمونه که در مبحث مسائل زنان در لالایی ها به آن اشاره شد مادر، برادر خود را

موضوع لالایی قرار داده است.

در دو مورد زیر آرزوی عروسی برادر موضوع لالایی واقع شده است.

لا لای مکم لایم بر باره وژت پابووی هالوت ژن باره (لکی)

(Lāy lāya makam lāyam bar bāre, wežet pābowi hālut žan bāre)

لالایی می گویم که لالایی ام ثمر بدهد، دایی ات زن بگیرد و تو ساقدوش عروس باشی.

(پابووی: زن مسنی که از طرف خانواده‌ی عروس در شب زفاف همراه با عروس است).

لالایی مکم و گل چایی دسمال و دست عروسی دایی (لری)
 (Lālāyi mekem ve gole čāyi , dasmal ve daset arusi dāyi)
 لالایی می‌گویم بر گل چایی، عروسی دایات باشد و تو دستمال به دست باشی
 [و برقصی].

لالی لای مکم ای گل گردو دست بگرم و مال‌هالو (لکی)
 (Lāy lāya makam ey gole gerdu, daset begerem va māle hālu)
 لالایی می‌گویم ای گل گردو، دست را می‌گیرم تا به خانه‌ی دایات برویم.

در لالایی زیر، مادر سرنوشت خود را خیلی مختصر برای کودکش توصیف می‌کند. از شخصی به نام نسی می‌گوید که او را از خانه بیرون کرده و بعد سواری از سوی لرستان آمده است و خوش‌بختی را به او ارزانی داشته است.

لالالا لای ننه نسی درم کردو درم بستی
 سواری هت الرسون منو آورد و گلسون (لکی)
 (Lālālā lāy nena nasi , darem kerdo darem basti)
 (Suwāre hat e loreson , meno āwerd ve goleson)

لالالا لای ننه نسی مرا از خانه بیرون کرد و در را به رویم بست.
 سواری از سوی لرستان آمد و مرا به این گلستان آورد.

در لالایی زیر، مادر به کودکش اطمینان می‌دهد که هیچ‌گاه او را نفرین نخواهد کرد.

لا لایی ست کنم لایت و جونم اگر نفرین کنم لال با زوونم
(Lālāyi set konem lāyat ve jonem, agar nefrin konem lāl bā zevonem)

لا لایی برایت می گویم، لا لایی ات بر جانم، اگر تورا نفرین کنم زبانم لال شود.
بهترین مضمونی که برای لا لایی زیر می توان در نظر گرفت دل تنگی مادر است:

لا لایی ست کنم وا دل تنگی تا تو ز در بیای سیم بخنی
الهی م بمیرم تو بمونی سر قورم بیا فاته بخونی
سر قورم بیای وا دل تنگ بریزی اسر مروار و سر سنگ (لری)

(Lālāi set konem vā dele taṅi, tāto ze dar byāyo sem baxani)
(Elāhi me bamirem to bamoni , sare qorem byāy fāta baxoni)
(Sare qorem byāy vā dele taṅ , barizi asre mervār ve sare saṅ)

با دلی تنگ برایت لا لایی می خوانم تا شاید تو روزی از در داخل شوی و برایم
بخندی.

الهی من بمیرم و تو زنده بمانی تا سر قبرم بیایی و برایم فاتحه بخوانی.
با دلی تنگ بر سر قبرم بیایی و اشک های همچون مرواریدت را بر سر سنگ
مزارم بریزی.

نتیجه

بخش مهمی از ترانه های عامیانه را ترانه های کودکانه تشکیل می دهد که برای
آموزش و پرورش کودکان و آمادگی ذهنی آنان به وجود آمده اند. لا لایی ها بارزترین
نمونه های ترانه ی کودکانه است و یکی از منابع ارزشمند هر قوم برای شناخت
شیوه ی زندگی و چگونگی تفکرات مردم و نگاه آن ها به کودک و نیازهای او شمرده
می شود. از مطالعه در لا لایی های مردم منطقه ی خزل می توان به نتایج زیر نائل شد:

- آرزوها و رؤیاهای مادر برای فرزند و دیگرانی که دوست می‌دارد در لالایی‌ها به نحوی مطلوب نمایان است.
- در فرهنگ مردم منطقه‌ی خزل، مهر و محبت مادر به کودک به خوبی نمود پیدا کرده است.
- وصف طبیعت و محیط اطراف در لالایی‌ها به نحوی مطلوب بازتاب یافته است.
- اعتقادات و باورهای عامیانه و همچنین اعتقادات مذهبی و رسوم محلی همچون ناف بران، از دیگر مضامین انعکاس داده شده در لالایی‌هاست.
- اهمیت فرزندپسر و دیدگاه خانواده به خصوص مادر به وی و تفاوت تلقی‌های اجتماعی از دو جنسیت پسر و دختر و همچنین اهمیت روابط فامیلی و طایفه ای به خوبی در لالایی‌ها به تصویر کشیده شده است.

